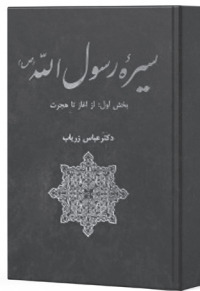


تصویری مستند و عقلانی از زندگی پیامبر اسلام در کتاب سیره رسول الله^۱



10.30484/JII.2026.3338

• استناد: چهل و دومین نشست از سلسله نشست‌های صد کتاب ماندگار قرن
(تصویری مستند و عقلانی از زندگی پیامبر اسلام در کتاب سیره رسول الله، نوشته عباس زریاب خویی، ۱۴۰۴)
مجله مطالعات ایرانی - اسلامی، (۲) ۱۵ - ص ۵۶-۶۵.

۱. نوشتار حاضر گزارش
چهل و دومین نشست از سلسله
نشست‌های صد کتاب ماندگار
قرن است. در این نشست که در
۹ آذر ۱۴۰۴ با دبیری هدا جلیلی
برگزار شد، استاد علی بهرامیان و
دکتر سید صادق سجادی
به بررسی کتاب
سیره رسول الله اثر ماندگار
عباس زریاب خویی پرداختند.



زریاب خویی

سیره‌نگاری دربارهٔ پیامبر اسلام از کهن‌ترین شاخه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی است. در زبان فارسی آثار متعددی در این حوزه نوشته شده است، اما بسیاری از آنها یا ترجمهٔ منابع کهن‌اند یا با رویکردی روایی و غیرانتقادی تدوین شده‌اند. در این میان، کتاب سیرهٔ رسول‌الله، تألیف عباس زریاب خویی، جایگاهی ممتاز دارد. زیرا نویسنده که از برجسته‌ترین مورخان معاصر ایران است، با رویکرد دانشگاهی و روش‌شناسی تاریخی به بازسازی زندگی پیامبر پرداخته است.

عباس زریاب خویی (۱۳۰۳ - ۱۳۷۳ ش.) از مورخان، اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان برجستهٔ معاصر بود که در حوزهٔ تاریخ اسلام، تصحیح متون و پژوهش‌های تمدنی آثار مهمی دارد. تخصص او در تاریخ‌نگاری علمی و آشنایی عمیق با منابع عربی و فارسی کلاسیک، پشتوانهٔ اصلی نگارش سیرهٔ رسول‌الله است. این اثر در واقع ادامهٔ سنت تاریخ‌نگاری انتقادی در ایران معاصر است که تحت‌تأثیر روش‌های نوین پژوهش تاریخی شکل گرفته است.

کتاب سیرهٔ رسول‌الله به‌صورت منظم و تاریخی تنظیم شده و مراحل زندگی پیامبر اسلام را در بستر تاریخی و اجتماعی عصر جاهلی و صدر اسلام بررسی می‌کند. مهم‌ترین محورهای محتوایی عبارت‌اند از: اوضاع دینی و اجتماعی عربستان پیش از اسلام، نسب و خاندان پیامبر، دوران کودکی و جوانی، آغاز وحی و دعوت مکه، هجرت و تشکیل جامعهٔ مدینه، جنگ‌ها و مناسبات سیاسی، فتح مکه و گسترش اسلام، رحلت پیامبر و میراث تاریخی او. نویسنده در هر بخش علاوه بر روایت وقایع، تحلیل تاریخی و اجتماعی

ارائه می‌دهد و زمینه‌های سیاسی و فرهنگی رویدادها را تبیین می‌کند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های کتاب، روش انتقادی در استفاده از منابع است. زریاب خویی به منابع کهن سیره و تاریخ اسلام مانند سیره ابن هشام، تاریخ طبری و طبقات ابن سعد تکیه می‌کند، اما نقل‌ها را بدون بررسی نمی‌پذیرد و با مقایسه روایات، سنجش سند و تحلیل تاریخی، روایت محتمل‌تر را برمی‌گزیند. این روش، کتاب را از آثار روایی صرف متمایز می‌کند.

نویسنده کوشیده است میان باور دینی و تحلیل تاریخی تعادل برقرار کند. او از اغراق‌های معجزه‌محور یا روایت‌های غیرمستند فاصله می‌گیرد و تصویری عقلانی و تاریخی از «سیره» ارائه می‌دهد.

در این اثر، «سیره» صرفاً زندگی فردی پیامبر نیست، بلکه در متن جامعه عرب جاهلی و تحولات اجتماعی صدر اسلام تحلیل می‌شود. این نگاه جامعه‌شناختی در سیره‌نگاری فارسی کم‌سابقه است.

نثر کتاب نمونه‌ای از نثر دانشگاهی فارسی قرن معاصر است؛ دقیق، مستند و در عین حال قابل فهم برای خواننده غیرمتخصص. این ویژگی سبب شده کتاب هم در محیط دانشگاهی و هم در میان علاقه‌مندان تاریخ اسلام خوانده شود.

زریاب خویی بسیاری از روایت‌های مشهور اما غیرمستند سیره را بررسی و گاه رد می‌کند. این رویکرد پالایشی، سیره را به تاریخ نزدیک‌تر می‌سازد. این کتاب نمونه‌ای موفق از پیوند میراث تاریخ‌نگاری اسلامی با روش‌های مدرن نقد منابع است؛ رویکردی که در سیره‌پژوهی معاصر اهمیت فراوان دارد.

نویسنده با رویکردی فرافرقه‌ای و تاریخی، از مجادلات کلامی فاصله می‌گیرد و بر داده‌های تاریخی تمرکز می‌کند. از این رو کتاب برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان قابل استفاده است.

در میان آثار فارسی سیره، می‌توان سه گونه کلی تشخیص داد: ترجمه سیره‌های کهن، سیره‌های روایی و مذهبی و سیره‌های تحلیلی و تاریخی. کتاب زریاب خویی در دسته سوم قرار می‌گیرد و در کنار محدود آثار دانشگاهی معاصر، از منابع معتبر آموزش تاریخ اسلام در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود. اهمیت آن در این است که الگوی سیره‌نگاری علمی به زبان فارسی را تثبیت کرده است.

با وجود ارزش‌های فراوان، برخی نقدها نیز مطرح شده است: حجم نسبتاً محدود نسبت به گستره موضوع، کمبود ارجاعات تفصیلی در برخی چاپ‌ها، و تمرکز بیشتر بر وقایع سیاسی نسبت به ابعاد فرهنگی. با این حال، این نکات از ارزش علمی کتاب نمی‌کاهد و آن را همچنان یکی از متون معیار سیره‌پژوهی فارسی نگه می‌دارد.

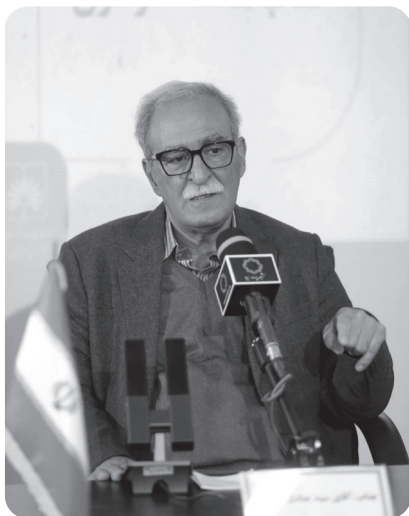
با توجه به آنچه گذشت درمی یابیم که سیره رسول الله عباس زریاب خوبی اثری شاخص در سیره نگاری معاصر فارسی است که با روش تاریخی - انتقادی، استفاده سنجیده از منابع کهن، نثر علمی و نگاه جامعه شناختی به سیره نبوی، تصویری مستند و عقلانی از زندگی پیامبر اسلام ارائه می دهد. این کتاب نمونه ای موفق از تاریخ نگاری دانشگاهی در حوزه اسلام شناسی به زبان فارسی است و جایگاهی پایدار در مطالعات سیره پژوهی معاصر دارد.

از این رو سازمان اسناد و کتابخانه ملی بر آن شد تا در سال جاری در قالب چهل و دومین نشست از سلسله نشست های صد کتاب ماندگار قرن، به معرفی و بررسی این اثر ارزشمند بپردازد.

در آغاز، خانم هدا جلیلی (دبیر نشست) به معرفی کوتاه این کتاب و ویژگی های منحصر به فرد آن اشاره کرد و در ادامه، سخنرانان دیدگاه های خود را در اختیار مخاطبان قرار دادند.

نگاهی تاریخی و مبتنی بر مبانی تاریخ نگاری

(سید صادق سجادی، پژوهشگر حوزه تاریخ)
آشنایی من با اساس این کتاب به نیمه دوم دهه ۶۰ هجری بازمی گردد که به عنوان دستیار دکتر زریاب در گروه تاریخ دایرة المعارف بزرگ اسلامی مشغول بودم و به فرمان استاد، کتاب های مورد نظرشان را پیش از آنکه به دفتر برسند آماده می کردم و روی میز قرار می دادم. باید متذکر شوم که چند سال پیش تر، وقتی در دفتر نشر فرهنگ اسلامی کار می کردم، صحبت از نگارش یک دوره تاریخ صدر اسلام به قلم محققان نامدار، از جمله استاد دکتر زریاب بود. بعدها دانستم که استاد در سال ۱۳۵۰ ش. حاصل تحقیقات



سید صادق سجادی

خود درباره برخی از مهم ترین سوانح ایام پیامبر و نیز احوال جزیره العرب، مقارن ظهور اسلام را طی بیست و شش درس گفتار یا سخنرانی در حسینیه ارشاد ارائه داده است.^۱ بنابراین فکر تألیف و تدوین سیره رسول الله به همان ایام بازمی گردد. بیشتر مضامین

۱. این سخنرانی ها را آقای علی بهرامیان، با عنوان درسهای درباره ظهور اسلام گردآوری و نشر مامک آن را در سال ۱۴۰۳ منتشر کرده است.

آن درسگفتارها مربوط به سال‌های پس از هجرت پیامبر به مدینه است و فقط چهار گفتار آن به سال‌های بعثت تا هجرت اختصاص یافته است. به گمان من، استاد برای تکمیل آن گفتارها به تألیف سیره رسول‌الله که شرح حیات پیامبر و عصر نبوت در مکه را دربردارد، دست زده است.

نگاه زریاب به سیره پیامبر در این کتاب ترکیبی از دو دیدگاه قابل تأمل است و این دو وجه را در نخستین درسگفتار خود در حسینیه ارشاد، که با عنوان «درک تاریخی از مقوله‌ای الهی» چاپ شده است، تاندازه‌ای می‌توان دریافت. مهم‌تر از آن آشنایی مستقیم من با اندیشه‌های اصولی و کلامی و تاریخ‌نگری و شیوه تاریخ‌نگاری استاد که سال‌ها افتخار همکاری و تلمذ او را داشته‌ام، این اجازه را می‌دهد که تصریح کنم زریاب تاریخ پیامبر و صدر اسلام را با دو وجهه نظر می‌نگریسته است. بر این اساس او در کتاب سیره رسول‌الله وضع اجتماعی و اقتصادی عربستان و مخصوصاً مکه و قریش را پیش از بعثت و مقارن آن، با نگاهی تاریخی و مبتنی بر مبانی تاریخ‌نگاری مورد بحث و تحلیل قرار داده است. اما آنجا که به بعثت و مبانی دعوت به دین نو و عقاید دینی و اسباب و نتایج آن می‌پردازد، نگاهش متفاوت است و آن را صرفاً در ظرف تاریخی تحلیل نمی‌کند. یک وقت هم با حضور چند تن از همکارانمان به دنبال سؤالی درباره استدلالی یا تعبدی بودن مطلق دین، آرای ایشان را که مؤید همین معنی است شنیدیم و دانستیم که استاد به وجه اعتقادی دین بیشتر تعبدی و فارغ از زمان و شرایط متغیر آن نگاه می‌کند. احاطه زریاب به منابع اصلی و متون کهن تاریخ و ادب و کلام و فقه و اصول، و احوال و عقاید دانشمندان متقدم چندان بود که باید گفت این رأی او از عمق سال‌های دراز تحقیق و تدقیق عالمانه در آن منابع و این زمینه‌ها برخاسته است. اما این احاطه کم‌مانند مانع از آن نبود که در تحقیق و تألیف این کتاب از تحقیقات جدید دانشمندان مسلمان و محققان نامداری چون سیدحسن تقی‌زاده و جواد علی، یا اسلام‌شناسان درجه اول اروپایی چون تئودور نولدکه و هنری لامنس و دیگران استفاده نکند. چنان‌که در تحقیق از وضع عربستان و مردم آن از خطابه‌های تقی‌زاده در همین زمینه در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران که بعداً در سه جزوه به چاپ رسید، و نیز کتاب محققانه جواد علی با عنوان المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، تاریخ قرآن نولدکه، مکه در آستانه هجرت از لامنس، یا محمد در مکه و محمد در مدینه از موننگمری وات - همه به زبان‌های اصلی - استفاده کرد. جالب اینجاست که او هرگز متأثر از آنها نبوده است و حتی برخی از آرای آنها را هم نقض کرده است. این معنی را در این کتاب باید همراه با خصلت نگارشی زریاب که سخت طرفدار ایجاز بود و حداکثر معنی را در حداقل لفظ جای می‌داد، نگاه کرد. این ایجاز در مقالات او در دایرةالمعارف‌ها و نشریات نیز

احاطهٔ زریاب به منابع اصلی و متون کهن تاریخ
و ادب و کلام و فقه و اصول، و احوال و عقاید
دانشمندان متقدم چندان بود که باید گفت رأی او
از عمق سال‌های دراز تحقیق و تدقیق عالمانه در
منابع و زمینه‌ها برخاسته است.

آشکارا دیده می‌شود و گاه موجب شگفتی است. در همین کتاب دربارهٔ بسیاری از فصولی که زریاب به اختصار تمام، اما دقیق و پرمعنی، نوشته است و به گمان من هیچ مطلب اساسی و مهمی را از قلم نینداخته است، ده‌ها و گاه صدها کتاب نوشته شده است.

مدتها پیش منتقدی کتاب سیرهٔ رسول‌الله را با استناد به برخی شواهد، تحریری از کتاب محمد در مکه نوشتهٔ مونتگمری وات دانسته بود. مستندات و مهم‌ترین شاهد آن منتقد - که به نظرم از علم تاریخ و تاریخ‌نگاری بهره‌ای ندارد - شباهت عنوان فصول این دو کتاب بود که اساساً بی‌وجه است. باید گفت شباهت عناوین فصول و مباحث در کتاب‌هایی که محققان مختلف در موضوعی یکسان مینویسند اجتناب‌ناپذیر است. هزاران کتاب دیگر هم که دربارهٔ سیرت پیامبر نوشته شود باید در آن احوال عرب و به خصوص احوال اجتماعی و اقتصادی مکه و قریش پیش از تولد پیامبر و بلکه دورتر، لااقل تا دورهٔ بعثت، فراز و نشیب‌های دورهٔ بعثت و دعوت به دین نو، تقابل قریش با آن و ده‌ها موضوع دیگر تحلیل شود. در همهٔ کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده است، تمامی این موضوع‌ها جز در تحلیل و برداشت شبیه به هم است. اتفاقاً در این مورد دیدگاه زریاب با وات متفاوت است، گرچه مستندات هردو در برخی موضوع‌ها، به سبب اشتراک منابع، شبیه است.

از آن گذشته، نگاهی به فهرست عناوین این دو کتاب آشکارا نشان می‌دهد که آن دعوی بی‌وجه است. در کتاب زریاب موضوع‌هایی مطرح شده است که در کتاب وات از آن خبری نیست؛ مانند وضع مالیات در جاهلیت، مفهوم جاهلیت، ادیان موجود در مکه و حجاز، کیفیت وحی، نقد روایت‌های ابن اسحاق، فهرست مستضعفان به روایت بلاذری، و موارد دیگر.

یک نکتهٔ دیگر بگویم و عرایض را ختم کنم، و آن تفاوت اندیشه و حس یگانگی فرهنگی میان دو محقق است که با دو فرهنگ و زبان و هویت متفاوت دربارهٔ موضوعی

شبیه به هم یا یکسان در دایره علوم انسانی، مخصوصاً تاریخ و ادبیات و دین به تحقیق می‌پردازند. من شخصاً بارها به این معنی برخورده‌ام که شرق‌شناس یا اسلام‌شناسی نام‌آور و مسلط بر زبان‌ها و ادبیات قلمرو اسلام و البته چندین زبان اروپایی و سال‌ها تحقیق و ممارست در تاریخ و فرهنگ اسلام و ایران و دیگر سرزمین‌های این قلمرو، درک برخی جزئیات و زوایای تاریخی و اعتقادی و ظرافت‌های زبانی و ادبی که برای ما بدیهی است، ناتوان بوده‌اند یا به سختی درک کرده‌اند. تفاوت بنیادی محققى که در این فرهنگ زاده شده و زیسته و برآمده و خوگر شده و در آن تعمق کرده است، با محققى که موطن مادی و فکری و فرهنگی‌اش غیر از آن بوده و آنچه از زبان و فرهنگ و عقاید دیگر به دست آورده، اکتسابی بوده است، آشکار است و محتاج اثبات نیست.

راه میانه در تاریخ نگاری سیره پیامبر اسلام

(علی بهرامیان، معاون علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)



علی بهرامیان

نخست باید توضیح داد که منابع و مآخذ حاکی از سیره و زندگی حضرت رسول چه صورتی دارند؟ و چگونه گردآوری و «تدوین» شده‌اند و چگونه به دست ما رسیده‌اند؟ این موضوع برای مسلمانان در طول تاریخ از جنبه دینی و شرعی اهمیت خاص داشته است؛ زیرا بنا بر آیه قرآن کریم، حضرت رسول (ص) برای مسلمین الگو و «اسوه» است: «وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» و بدیهی است که می‌باید شناخت از اسوه و الگو بر اساس متقن‌ترین روایات صورت گیرد. اما از جنبه‌ای دیگر و از منظر تحقیقات تاریخی، چه «متدولوژی» و روشی را می‌توان به کار

گرفت تا بتوان آن‌طور که خاورشناسان می‌گویند تصویری از «محمد تاریخی» به دست داد.

منابع حاکی از زندگی و سرگذشت حضرت رسول سه دسته کلی است:

۱. قرآن کریم: باآنکه اشاره‌های قرآن کریم به شخص پیامبر و حوادث دوران ایشان، بسیار کلی است و با زبان مخصوص وحی بیان شده، ولی باز هم نکته‌های بسیار و

چشمگیری از آن قابل استنباط است. اما احادیث و روایاتی که در باب شأن نزول آیات در کتاب‌های خاص شأن نزول و تفاسیر آمده، کمابیش دچار همان مسائل کلی دیگر احادیث و روایات است؛ یعنی دچار اختلاف بسیار هستند و باید با آنها همچون دیگر احادیث و روایات روبه‌رو شد.

۲. احادیث و روایات منقول در صحاح و مسانید از قول صحابه و تابعین و در درجه بالاتر و مهم‌تر، روایات ائمه (ع) که حاکی از قول و فعل حضرت است و منشأ استنباط فقه و شرع و عقیده است و در ضمن آنها اشاره‌هایی به زندگی و سیره حضرت رسول وجود دارد، از کلیات تا جزئیات.

۳. روایات اختصاصی که در سیره رسول‌الله نوشته شده است، با همین عنوان یا عناوین دیگری است که زندگی و فعالیت‌های ایشان را در سیاق و ترتیب و تدوین خاصی روایت می‌کند و در گذشته‌های دور و قرون نخستین به آن «المبتدأ و المبعث و المغازی» می‌گفته‌اند و در مراحل بعدی، جزئی از تاریخنگاری دوره اسلامی شده است. در این طیف آثار، از همه مشهورتر، کتاب محمد بن اسحاق (درگذشته: ۱۵۰ یا ۱۵۱ ق.) است که اینک جز قسمتی مختصر از آن، به صورت کامل در دسترس ما نیست و آنچه در دست داریم در درجه نخست صورت «تهذیب» شده‌ای است که تقریباً نیم قرن بعد ابن هشام (درگذشته: ۲۱۳ یا ۲۱۸ ق.) ترتیب داد. منقولاتی نیز از طریق آناری مانند انساب‌الأشراف بلاذری و تاریخ طبری و از این قبیل به دست ما رسیده است.

مسئله اصلی بر سر این است که چقدر از این مواد تاریخی موجود واقعاً حاکی از سیره و زندگی حضرت است و احیاناً به قصد دیگری پدید نیامده است؟ این آثار متکی بر مواد شفاهی است که در دوره‌ای به کتبی تبدیل شده و آثار کتبی نیز بعدها صورت مدوّن یافته است. اما این مواد تحت تأثیر شرایط سیاسی و عقیدتی زمان قرار گرفته‌اند زیرا فاصله دوره گردآوری و کتابت و تدوین روایات «سیره» در مجموع، با دوره حضرت رسول (ص) حدود صد سال است؛ آیا این روایات در زمان وقوع حوادث تولید شده‌اند؟ یا بعدها انواع و اقسام تحولات سیاسی و اعتقادی و مانند اینها بر الفاظ و تعبیر و انعکاس آنها در طول سده‌های نخست تأثیر داشته است؟ آیا در نقل و ثبت و ضبط آنها «دست‌زمانه» دخالتی نداشته است؟ و در برابر سؤال‌هایی از این قبیل، محقق این روزگار چه روشی باید در پیش گیرد تا بتواند به آن تصویر تاریخی نزدیک شود؟

از سوی دیگر، اینک دهها مآخذ «غیراسلامی» در دست است که فاصله شمار چشمگیری از آنها با دوره پیامبر (ص) چندان نیست، و گرچه نویسندگان از محیط حجاز دور بوده و دینی غیر از اسلام داشته‌اند و در نقل جزئیات حوادث به هیچ روی با روایات دوره اسلامی قابل قیاس نیستند، ولی در مجموع آگاهی‌های باارزشی به دست می‌دهند.

شاید ساده‌ترین راه در برابر محقق تاریخ این دوره و موضوع این باشد که صحت همگی روایات دوره اسلامی حاکی از سیره حضرت رسول را به نحوی «منکر» شود و یکباره مآخذ «غیراسلامی» را اساس قرار دهد، که البته از آنها هم جز کلیاتی به دست نمی‌آید و این رویکردی است که شماری از خاورشناسان در جریان «تجدید نظرطلبی» اتخاذ کرده‌اند.

در این مجال اندک، فرصت کافی برای نقد همه آرای این نحله از محققان وجود ندارد، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت تا آنجا که ما آگاهی و اطلاع داریم، در این نحله، کمتر روش و شیوه‌ای برای نقد و سنجش روایات دوره اسلامی به دست داده می‌شود و این جریان بیشتر در وضعیت «انکار» صحت روایات است تا نقد و بررسی و شناخت بهتر و کامل‌تر آنها. اصولاً شناخت تاریخ نگاری دوره اسلامی، با وجود انبوهی از تحقیقات ارزنده و مهم، هنوز در آغاز راه است.

یکی از مهم‌ترین مسائل در باب جملگی روایات حاکی از سیره نبوی (ص) این است که چه میزان از این روایات در همان زمان «تولید» شده‌اند و حاکی از واقعه‌ای خاص از حیات ایشان هستند و تا چه حد انواع و اقسام حوادث و عقاید و افکار بر آنها مؤثر بوده است؟

در ساختار خود روایات اینطور ادعا می‌شود که از طریق سلسله راویان، اصالت روایات به همان دوره بازمی‌گردد، ولی آیا واقعاً این‌گونه است؟ خود علمای اصحاب حدیث، از همان قرون و سده‌های اولیه، کوشش کردند برای شناخت انواع روایات و احادیث منقول از حضرت رسول و دیگر اصحاب، موازینی وضع کنند یا رجال را از حیث وثاقت بشناسند یا الفاظ آن را از غریب و غیرغریب تشخیص دهند، اما آن موازین با وجود اهمیت چشمگیری که به هر حال دارند، معلوم نیست تا چه حد نظر اطمینان‌نمایی محقق امروزی را تأمین می‌کنند و در اغلب موارد، از روی آنها می‌توان خط سیر «رواج» روایات را در طول تاریخ و احیاناً در جغرافیایی خاص دریافت.

در مجموع اینطور به نظر می‌رسد که باید راه میانه‌ای در نظر گرفت؛ چنان‌که این وضع کمابیش در باب دیگر ادوار تاریخی هم برقرار است: ملاحظه جمیع روایات، مقایسه آنها با یکدیگر، دقت در جزئیات و از این قبیل.

درباره دوره حضرت رسول نکته قابل توجه دیگر این است که محقق در سیره ایشان لاجرم می‌باید از حوادث و جریان‌های سیاسی و فکری و حتی خانوادگی دست‌کم در دو قرن نخست اطلاع دقیق و کافی داشته باشد، به‌ویژه توجه و دقت در سیاست دو خاندان حکومتگر اموی و عباسی قطعاً لازم است، زیرا هر دو سلسله، بنا بر سیاستی که در ادوار مختلف داشتند، تصویر نیاکان خود را در دوره‌های قبل و به‌ویژه عهد حضرت

در باره دوره حضرت رسول نکته قابل توجه دیگر این است که محقق در سیره ایشان لاجرم می‌باید از حوادث و جریان‌های سیاسی و فکری و حتی خانوادگی دست‌کم در دو قرن نخست اطلاع دقیق و کافی داشته باشد، به‌ویژه توجه و دقت در سیاست دو خاندان حکومتگر اموی و عباسی قطعاً لازم است.

رسول (ص) کنترل می‌کردند و بنا بر نمونه‌های متعدد، می‌کوشیدند از این طریق، رقبای سیاسی را بی‌اعتبار کنند و بر اعتبار و «مشروعیت» خود بیفزایند. عباسیان در آغاز خلافت و در ادوار بعدی با انبوهی از قیام‌ها و جنبش‌های علویان روبه‌رو شدند و سیاست عباسیان در باب نیای علوی‌ها، به‌ویژه ابوطالب که شامل انواع و اقسام تخریب‌ها می‌شد، در روایات موجود انعکاس یافته است، زیرا «روایت» در روزگاری که از آن سخن می‌گوییم در واقع کار «رسانه» را می‌کرد.

استاد زریاب چه در کتاب خاص خود در باب سیره نبوی و چه در دروس شفاهی که متن آن اخیراً در انتشارات نامک منتشر شد، با توجه به تجربه‌های تحقیقی و ملاحظه منابع و مآخذ، همین راه میانه را انتخاب فرموده و بر همان منهج و روش پیش رفته‌اند: توجه اساسی و عمده به آیات تاریخی قرآن کریم و شأن نزول و تطبیق و عرض روایات دیگر با آیات و نقد درونی روایات و کاوش در مضامین آنها. از این جهت در اثر ایشان نوآوری اندک نیست، از جمله در باب تشخیص مسلک و دیانت نصر بن الحارث و دیگر مباحث.

نکته اساسی این است که مرحوم استاد از منظر مسلمانی محقق به سیره پیامبر نگریسته‌اند، که خلاف امر تحقیق و ایمان هم نیست. از نظر ایشان دست‌کم بنا بر این آثار، امر نبوت موضوعی «مفروع عنه» بوده و هم در فصل اول همین کتاب و هم دروس شفاهی به تفصیل به این موضوع پرداخته‌اند که چرا نفس «امر مقدس» نمی‌تواند موضوع تحقیقات تاریخی قرار گیرد و در عین حال، تحقیقات تاریخی لزوماً خلاف عقیده نیست و بسا که به نفع آن هم باشد. به گمان بنده، توجه ایشان به این امر نظری در آغاز بحث از سیره رسول خدا بسیار جالب است و نمونه مشابه دیگری سراغ نداریم و از طرفی حاکی از تسلط ایشان بر مباحث فلسفی و نظری تاریخ و تحقیقات تاریخی است.